



البیان به وضوح عمق دانش آیت الله خویی را به رخ کشیده است

آیت الله سیدابوالقاسم خویی همچون استاد خویش شیخ محمدجواد بلاغی در باب علوم قرآنی در صدد و آرزوی ایجاد تحولی در حوزه های علمیه و کتب منتشره بوده است که به دلایلی از جمله مخالفتها و شماتتهای برخی کوته فکران در این امر در مقدمه متوقف گشته اند.

به مناسبت سالروز رحلت آیت الله خوئی؛

"البیان" به وضوح عمق دانش آیت الله خویی را به رخ کشیده است

آیت الله سیدابوالقاسم خویی همچون استاد خویش شیخ محمدجواد بلاغی در باب علوم قرآنی در صدد و آرزوی ایجاد تحولی در حوزه های علمیه و کتب منتشره بوده است که به دلایلی از جمله مخالفتها و شماتتهای برخی کوته فکران در این امر در مقدمه متوقف گشته اند.

هشتم صفر سال 1413 هجری قمری در شهر کوفه، سید فقهاء و مجتهدین و استاد نسل معاصر از دانشمندان و فقهای امامیه، مرجع عالیقدر جهان تشیع آیت الله سیدابوالقاسم موسوی خویی در سن 94 سالگی دار فانی را وداع نموده و حوزه علمیه نجف را از فیض خورشیدی بی مانند محروم ساخت. نوشتار زیر بهانه ای است جهت شناخت هرچه بیشتر یکی از شاخه های علمی مورد عنایت آن فقیه، مجتهد، اصولی، مدرس و مرجع بزرگ شیعه با عنوان تفسیر قرآن، حرکت علمی که سنت شکنی بود در بین فقهای معاصر، در باب پرداختن به دانش تفسیر و علوم قرآنی علی الخصوص در حوزه علمیه نجف.

آیت الله خویی که 83 سال از عمرشریفش را در جوار بارگاه امیرالمؤمنین(ع) در علم اندوزی و علم آموزی سپری نمود، از خدمت حضرات آیات شیخ الشریعه اصفهانی (1266 - 1339) و شیخ محمد جواد بلاغی (1282-1352) صاحب تفسیر آلاءالرحمن، تفسیر و علوم قرآنی را درس آموز گشته و خود نیز به تدریس علم تفسیر و نگاشتن کتب در باب علوم قرآنی دست زد.

"نفحات الاعجاز" (در علوم قرآنی و اثبات جاودانگی و دفاع از کرامت قرآن) و "البیان فی تفسیرالقرآن" از جمله کتب دردسترس آیت الله در باب علوم قرآنی است. آن فقیه یگانه "نفحات الاعجاز فی رد حسن الایجاز" را که نقد و پاسخی است به کتاب «حسن الایجاز فی ابطال الاعجاز» یک آمریکایی موسوم به نصیرالدین ظافر در بیست و پنج سالگی (1342 ق) به عنوان نخستین کتابش در نجف اشرف منتشر می کند که این خود نشان از علاقه وافر ایشان به علوم قرآنی و صد البته توانایی ایشان در این امر می باشد و اما "البیان" با وجود آنکه فقط سوره حمد را به عنوان تفسیر یک سوره در خود جای داده است ولیکن اثری است نو و مبتکرانه و بدیع که به عنوان منبعی پربها در علوم قرآنی مورد بهره علاقه مندان قرار می گیرد.

"البیان" از عظمت و اعجاز قرآن، قرائتهای هفتگانه، حروف هفت گانه قرآنی، تدوین و عدم تحریف قرآن، حجیت ظواهر، نسخ آیات، حدوث و قدم قرآن و در انتها تفسیر سوره حمد سخن رانده و حاصلی پرحسرت از عدم تداومش برای خواننده را به دنبال دارد. حسرتی که خود آیت الله نیز آنرا فریاد می زند. آنجا که درباره پیشینه تدریس خویش، می نویسد: "من بسیار تدریس کرده ام و در فقه، اصول و تفسیر جلسات درس بسیاری تشکیل داده ام و جمعی بی شمار از اندیشمندان را در حوزه علمی نجف اشرف پرورش داده ام. ... در سالهای گذشته، به تدریس علم تفسیر همت گماشتم و پس از مدتی، بر خلاف خواسته قلبی ام، از آن دست برداشتم و چقدر دوست می داشتم این درس ادامه می یافت و منتشر می شد. خداوند را سپاس می گویم که در خلال این سالیان طولانی، لحظه ای از تدریس باز نایستاده و به جز روزهای بیماری و سفر، همواره به تعلیم اشتغال داشتم." (معجم رجال الحدیث، ج 23، ص 22).

به پاس مجاهدتهای آن عالم عالیقدر در باب علوم قرآنی، نگاهی می اندازیم به مفهوم تفسیر قرآن از دیدگاه ایشان.

چیستی تفسیر:

آیت الله تفسیر را برمعنای کشف حقیقت و پی بردن به عمق ریشه آیات قرآن و پرده برداشتن از ظواهر قرآن می دانند. ایشان با اشاره به اینکه در معنای ظاهری قرآن ابهامی نیست، تکیه برمعنای ظاهری لفظ را تفسیر ندانسته و بلکه برداشتن پرده ابهام و نشان دادن معنای غیرظاهری را تفسیر می نامند. در یک جمله ایشان روشن ساختن مفهوم آیات قرآن و واضح کردن منظور پروردگار تفسیر نام می نهند.

عدم فهم انحصاری قرآن:

آیت الله خویی به حجیت ظواهر آیات قرآن اعتقاد داشته و فهم ظاهر آیات را برای همه مردم با عنایت به دلایل زیر به اثبات می رساند:

1. قرآن کتاب مردم است و به زبان عموم.
2. قرآن دلیل نبوت است و تحدی طلب.
3. قرآن تمسک گاه مسلمین است و محل رجوع آنان.
4. قرآن معیار شناخت روایات است.
5. استدلال ائمه (ع) به ظواهر آیات در طول تاریخ.

در حقیقت ایشان قرآن را کتابی با ظاهر ساده و برای عموم مردمی که با زبان عربی آشنایی دارند، قابل فهم و درک می دانند. همانگونه که گفتگوهای معمولی و عرفی در بین مردم از ظاهر آن فهمیده می شود. حجیت ظواهر آیات یعنی اینکه هدف و منظور پروردگار اکثراً مشخص و قابل عمل و اعتماد است و در موقع احتجاج و استدلال و به دست آوردن احکام الهی و وظایف اخلاقی و امثال آن می توان مستقلاً به همان معانی که از ظاهر آیات استفاده می شود، تکیه نموده و آنرا مورد عمل و یا دلیل و مبنا قرار داد. پس ظواهر قرآن برای عموم مردم حجت و مدرک است و این است مبنا قرار دادن معنای ظاهری و حجیت ظواهر قرآن.

اعتقاد و اثبات حجیت ظواهر قرآن نشان از اعتقاد به عدم انحصار در فهم قرآن از طرف آیت الله دارد. ایشان اختصاص عده ای مخصوص و معین به عنوان مخاطب قرآن و طرف صحبت و گفتگوی قرآن را نفی نموده و انحصار وجود "کلید فهم قرآن" در نزد آنان را، درست نمی شمارد.

ایشان بابتی دیگر در اندیشه خویش در این مورد دارند و آن چنین است که، فهم ظاهر قرآن برای عموم امکان پذیر است و در معانی ظاهری ابهامی نیست و نیازی به بالارفتن پرده و نمایان شدن عمق و حقیقت نیست که بتوان نیازی به تفسیر احساس نمود. اما فهم حقیقت قرآن و پی بردن به عمق و تاویلات آن و آشنا بودن با باطن و ظاهر و ناسخ و منسوخ آن اختصاص به افرادی خاص به عنوان مخاطبین و طرف صحبت قرآن دارد و این معرفت و شناخت عمیق و واقعی و تشخیصهای دقیق و تأویل قرآن، در فراخور همه کس نبوده و علمی است خطیرو بزرگ و مخصوص اولیای خاص و بندگان ممتاز خدا. آیت الله قرآن را شامل علوم گذشته و آینده دانسته و فهم این علوم را اختصاص به اهل بیت (ع) و خاندان نبوت می داند، ولی در عین حال قرآن دارای علوم و دقایق عمیق باطنی را، دارای معانی ظاهری نیز می داند که درک معانی آن برای عموم ممکن است.

مفسر کیست؟

در دیدگاه آیت الله خویی مفسر واقعی کسی است که عالمی جامع الاطراف در تمامی علوم باشد. ایشان معتقدند مفسر بایستی در هر رشته ای از علوم و فنون قرآن اطلاعات وسیعی داشته و بتواند از دریچه های همان علم و فن قرآن را تفسیر نموده، پیش برود. ایشان چنین می فرمایند: "مفسر به معنای واقعی کسی است که در مباحث فلسفی قرآن یک حکیم و فیلسوف مطلع و در مسائل اخلاقی آن یک دانشمند توانای اخلاقی باشد و درمسائل فقهی قرآن با دید یک محقق و در مسائل اجتماعی آن با دید یک جامعه شناس ورزیده، قرآن را مورد مطالعه و تفسیر قراردهد و همین طور در هر علمی از علوم قرآن با دید و اقتضای همان علم، قرآن را تفسیر نماید."

نقد تفاسیر موجود:

آیت الله که قرآن را کتابی برای لغت شناسان بزرگترین مرجع، برای دانشمندان علم نحو روشن ترین راهنما، برای فقیه و دانشمند دینی بهترین مدرک و سند علمی، برای هر ادیب زنده ترین شاهد و برهان، گمشده هر فیلسوف، الهام بخش هر خطیب توانا و واعظ گویا، مقصد و مقصود علمای اخلاق و بالاخره برای هر دانشمندی در رشته تخصصی وی پشتوانه استوار و راهنمای روشن و ضامن سعادت انسانها و کفیل اصلاح اجتماع بشری قلمداد می کند، در برابر عظمت قرآن و فرستنده اش به حقارت و کوچکی علم و تفکر انسانی اقرار نموده و مقام قرآن در نظرشان بزرگ و بزرگتر و تفاسیر موجود کوچک و کوچکتر جلوه می نماید.

ایشان می نویسند: "با مراجعه به کتب تفسیر این حقیقت را دریافتم که عده ای با کوشش فراوان پاره ای از اسرار قرآن را به دست آورده و تنها به قسمتهای مختصری از حقایق و علوم قرآنی دسترسی پیدا نموده اند و آنرا در کتابی جمع آوری کرده نام تفسیر برآن نهاده اند. تفسیری که می تواند مشکلات و غوامض قرآن را حل و هرگونه نکات و حقایق آن را روشن سازد!! تفسیری که می تواند پرده از تمام اسرار و دقایق قرآن بردارد!! اما عقلاً انجام چنین عملی محال است. زیرا چگونه ممکن و متصور است که یک موجود ناقص و محدود همچون انسان بتواند بر موجود نامحدود و کاملی که از طرف خدای نامتناهی و نامحدود فرود آمده است، احاطه پیدا کند و به همه نکات و دقایق آن دست یابد؟"

ایشان ضمن تقدیر از تلاش مفسرین هیچ کدام از تفاسیر را خالی از اشکال ندانسته و از عدم جامعیت آنها گلایه می نماید. گلایه ای که به نوشته خودشان گلایه از امری محال است. ایشان مفسری می طلبد که در هر رشته ای از علوم قرآنی اطلاعات وسیعی داشته و بتواند از دریچه این علوم و فنون به قرآن نگریسته و یک دوره دائرةالمعارف جامع در باب تفسیر قرآن شکل دهد.

ایشان می نویسند: "تنها اشکال و ایرادی که بر مفسرین متوجه می گردد این است که آنان به پاره ای از مباحث و علوم قرآن پرداخته و از قسمت اعظم آن که می تواند عظمت و واقعیت قرآن را نشان دهد غفلت ورزیده اند."

شیوه تفسیر آیت الله خویی:

آیت الله خویی در مقدمه تفسیر "البیان" پنج نوع سند و تکیه گاه برای تفسیر خویش برمی شمارد :

1. ظواهر آیات قرآن (باعنائیت به حجیت و اعتبار قطعی ظواهر آیات در نظر ایشان).
2. محکمات و آیات صریح و روشن قرآن.
3. روایاتی که در اثر تواتر و کثرت نقل، صحت آنها اثبات شده است.
4. احادیثی که از خاندان عترت با سند صحیح به دست آمده (از نظر ایشان اخبار ظنی معتبر هم قابل اتکا و استناد در تفسیر است از جمله خبر واحدی که از روایات غیر قطعی ولیکن معتبر و دارای شرایط حجیت و اعتبار باشد).

5. عقل فطری که از انحرافات و رنگ آمیزی های نادرست و سلیقه های شخصی سالم باشد که عقل حجت باطنی و درونی است و پیامبر و خاندانش (ع) حجت و برهان ظاهری. ایشان استناد به مدارک ظنی و غیرقابل اعتماد در تفسیر را منع نموده و تکیه گاه را دلایلی می دانند که عقلا و یا شرعا حجیت و اعتبار آن ثابت و مسلم باشند. چرا که پیروی از دلایل ظنی و غیریقینی شرعا نارواست و از سوی دیگر نسبت دادن مطلبی به خدا بدون اذن وی حرام و گناهی بزرگ و نابخشودنی است. علاوه بر سند، آیت الله در باب شیوه تفسیر خویش می نویسند: "ما معمولا در تفسیر یک آیه از مفهوم آیه دیگر استفاده می کنیم و خود قرآن را وسیله درک معانی قرار می دهیم و در فهم و درک قرآن از خود قرآن یاری و راهنمایی می طلبیم و احادیث وارده را بر این روش و بر آنچه از ظاهر آیات قرآن فهمیده ایم، شاهد و موید می آوریم."

حرمت تفسیر به رأی:

آیت الله خوئی رعایت اسلوب خویش در امر تفسیر قرآن که بیشتر تکیه بر ظاهر قرآن و البته استناد به پنج سند مذکور دارد را دور از تفسیر به رأی دانسته و تفسیر دلبخواهی را حرام و ممنوع می داند. ایشان ضمن انتقاد از کسانی که قرآن را با افکار خود و یا افکار کسانی که گفتارشان از طرف خداوند تأیید نشده و حجیت و اعتبار ندارد تفسیر نموده اند، به صراحت تفسیر به رأی را با استناد به روایات معصومین (ع) حرام می دانند.

آیت الله با توجه به تعریفی که از تفسیر ارائه نموده اند در وهله نخست ترجمه آیات قرآن را مجزا از تفسیر دانسته و معنی نمودن ظاهر آیات را تفسیر قلمداد نمی کنند، چرا که عرفا از الفاظ آن فهمیده می شود. از سوی دیگر ایشان تجلیگاه تفسیر به رأی را در آیات متشابه می دانند و می نویسند: "نبایستی کسی بدون مراجعه به اهل بیت (ع) و بدون استمداد از گفتار آنان و الهام گرفتن از افکارشان مستقلا از روی قرآن به دلخواه خود فتوا و حکمی از احکام الهی را صادر کند. در صورتیکه رسول خدا عترت و اهل بیتش را طبق حدیث ثقلین پشتوانه و هم دوش قرآن معرفی کرده است و مردم باید در اینگونه موارد به آنان مراجعه کنند تا هدایت شوند."

ایشان می نویسند: "آنچه بر مفسر لازم است این است که از آراء و عقاید شخصی خود صرف نظر کند. تنها مفهوم آیات را بدون رنگ آمیزی با محتویات مغزی و گرایشهای فکری و تخصصی خویش مد نظر بگیرد و طبق رهنمود و فرمان آن قدم بردارد. به عبارت ساده تر آیات قرآن را با خود قرآن و دلالت ظاهر آن معنی و تفسیر کند نه با آراء و عقاید شخصی و گرایش های فکری و سلیقه ای."

آیت الله می نویسند: "اگر یک مفتی یا مفسر عمومات و مطلقات قرآن و قوانین عمومی آنرا در نظر بگیرد، از تخصیصها و تقییدها و از تبصره ها و استثناهایی که به وسیله ائمه براین گفتارها و قوانین عمومی قرآن به عنوان توضیحات وارد شده، غفلت ورزد، آنرا تفسیر به رأی و برداشت دلبخواهی می نامند که در روایات سخت مورد انتقاد قرار گرفته و ممنوع شده است." آنچه در پایان می توان عنوان داشت اینکه آیت الله سیدابوالقاسم خوئی همچون استاد خویش شیخ محمدجواد بلاغی در باب علوم قرآنی در صدد و آرزوی ایجاد تحولی در حوزه های علمیه و کتب منتشره بوده است که به دلایلی از جمله مخالفتها و شماتتهای برخی کوته فکران در این امر در مقدمه متوقف گشته اند. "البیان" به وضوح عمق دانش آیت الله را به رخ کشیده، از ایشان چهره ای نواندیش در باب علوم قرآنی به نمایش می گذارد. ایشان در این اثر ضمن دوری از دوباره کاری و تفسیر به رأی، از شبهات سخن رانده و مقدمه ای جامع به عنوان آغازیه و شیوه نامه تفسیر خویش با استنادات فراوان به آیات قرآنی و روایات صحیح و اصول عقلی ارائه می نماید. اثری که امروز نیز از باب محتوا و شیوه نگارش می تواند راهنمایی باشد برای طالبان علوم و عالمان تفسیر.*

*نویسنده: جواد عبدل زاده، نویسنده و فعال فرهنگی